

تفکر خلاق و انتقادی در حسابداری اسلامی

زهرا حاجیها*

استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

حبیب شبانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اراک

چکیده

تفاوت‌های فکری مذهبی، سیاسی و فرهنگی از مسائل تاثیر گذار در اقتصاد غربی و تدوین استانداردهای حسابداری است. این تفاوت‌های مبنایی باعث می‌شود که تکنیک‌های حسابداری غربی نتوانند قابلیت اجرایی خوبی در اقتصادها و حسابداری اسلامی داشته باشند. این مقاله با تاکید بر تفکر خلاق و انتقادی سعی دارد به بررسی تفاوت‌های اساسی در مبانی حسابداری اسلامی با حسابداری غربی به لحاظ تاثیر پذیری آن از اقتصادهای متفاوت در قالب نادیده گرفتن ملاحظات اخلاقی در اقتصاد غربی و استفاده ابزاری از حسابداری در جهت منافع نظام سرمایه داری، مبنای فکری مذهبی متفاوت در اقتصاد غربی در مقابل اقتصاد اسلامی، تاکید بر ویژگی‌های حسابداری اسلامی در جهت پیشبرد عدالت اجتماعی، جلوه تفکر خلاقانه و دید انتقادی حسابداری اسلامی در مقابل ادعاهای نظام سرمایه داری غربی و بررسی نتایج تحقیقات حسابداری اسلامی با رویکردی انتقادی بپردازد.

واژه‌های کلیدی: تفکر خلاق، تفکر انتقادی، حسابداری اسلامی، حسابداری انتقادی

مقدمه

نقش تفکر خلاق و انتقادی و رویکرد انتقادی در حسابداری مسئله قابل تأملی است. تفکر، در حقیقت شکل پیچیده‌ای از رفتار انسان و عالی‌ترین شکل فعالیت عقلی و ذهنی است (شعاری نژاد، ۱۳۷۰).

آنچه امروز، فیلسوفان از تفکر و مباحث مترتب بر آن مراد می‌کنند درحقیقت جانمایه فلسفه تلقی می‌شود، به نحوی که فلسفه را تفکر ناب می‌دانند (کلباسی، ۱۳۸۵). تلاش‌های نظام سرمایه داری غربی به جدایی حسابداری از ملاحظات اخلاقی امری غیرواقعی بینانه بنظر می‌آید که با عنوان حسابداری غیر اخلاقی^۱ نه ضروری و نه مطلوب بنظر می‌رسد، مطرح است (تینکر^۲، ۲۰۰۴). تینکر همچنین معتقد است که حسابداری در زمینه ضد سرمایه داری لیبرال^۳، نقش بهره‌وری و کنترل برای تضمین و تحمیل انباشت سرمایه و روابط بازار نقش مهمی دارد و علاوه بر این، سازمان‌های بین‌المللی مانند FASB^۴، و سازمان تجارت جهانی که قرار است به ایفای نقش در تنظیم سازمان‌های کسب و کار در جهت منافع عمومی بپردازند، باید از طریق نهادهای خود در صدد رفع نگرانی‌ها و تنظیم مقرراتی در مورد مسائل زیست محیطی و اجتماعی که از حوزه‌های حسابداری و امور مالی است باشند. حال سؤال این است که ایدئولوژی غیر اسلامی که عمدتاً در تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری نقش دارد تا چه حد بر اقتصاد و به تبع آن بر حسابداری اسلامی می‌تواند تأثیر گذار باشد؟ یکی از جنبه‌های اصلی اسلام برخورداری آن از یک رویکرد جامع به زندگی است، بطوریکه در این رویکرد جامع به زندگی به افراد و تعادل بر آورده ساختن هم نیازهای مادی و هم نیازهای معنوی آن‌ها که تأثیر قابل توجهی در اقتصاد دارد تمرکز خاصی می‌شود. نظام اقتصادی اسلامی را باید از دیدگاه جامع که شامل درک درستی از مفهوم تلقی خدا، جهان، زندگی و انسان است بررسی کرد، که این رویکرد همه جانبه ناشی از ماهیت عدالت اجتماعی در اسلام است که بر متمرکز شدن ثروت هشدار می‌دهد و چنانچه تمرکز ثروت به وجود آید، عدم تعادل اجتماعی را در پی خواهد داشت و اعضای جامعه متعهد به تسهیل توزیع برابر و عادلانه ثروت از طریق زکات یا گرایش دیگر از ارزش‌های اسلامی مانند مهربانی، شفقت بین مسلمانان در جامعه می‌باشند (کامل^۵، ۲۰۰۸).

بر همین اساس این مقاله با تأکید بر تفکر خلاق و انتقادی و ارائه تعریفی جامع از تفکر انتقادی از دیدگاه جان دیولی^۶ که پدر تفکر انتقادی مدرن نامیده می‌شود (فیشر^۷، ۲۰۰۱) به بررسی تفاوت‌های

اساسی در حسابداری اسلامی با حسابداری غربی پرداخته و سعی دارد به گزیده‌ای از تناقضات اثرات استانداردهای بین‌المللی در اقتصاد اسلامی بپردازد.

روش‌شناسی تحقیق

روش این تحقیق، روش شناخت در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای و از نوع پژوهشهای تئوریک و نظری و مبتنی بر پیشینه تحقیقات مرتبط با موضوع می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹)، هدف تحقیق ارائه الگویی مفهومی و چارچوبی نظری برای تبیین تفکر خلاق و انتقادی در حسابداری اسلامی است. در قالب این مقاله سعی می‌شود به این پرسش که آیا با نگرشی انتقادی و خلاقانه به ایدئولوژی حسابداری غیر اسلامی و تفاوت‌های مبنایی اقتصاد و حسابداری غربی با اقتصاد و حسابداری اسلامی و نگرشی خلاقانه به پتانسیل‌های حسابداری اسلامی در تدوین استانداردهایی همگون با نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جوامع اسلامی دست یافت؟

حسابداری بستری برای تفکر انتقادی اسلامی

تاکید اقتصاد غربی بر نادیده گرفتن ملاحظات اخلاقی و جدایی حسابداری از ملاحظات اخلاقی و تلاش‌های سرمایه‌داری غربی در استفاده از حسابداری بعنوان صرفاً ابزاری در جهت قدرتمندان جامعه (عمدتاً صاحبان سهام و اعتبار‌هندگانی که تمرکز ثروت در دست آنهاست)، نظیر بکارگیری روش‌های تمام‌شده کامل در حسابداری نفت و گاز توسط کمیسیون اوراق‌بهدار (SEC) بر اثر فشارهای سیاسی در کشور آمریکا و انتشار استاندارد شماره ۲۵ متعاقب آن (شباهنگ، ۱۳۹۰) از یکسو و از سوی دیگر دید جامع اقتصاد اسلامی از طریق باز کردن امکان یک دستور کار اجتماعی که در آن عدالت اجتماعی، کار کردن با جوامع محلی، از بین بردن فقر، مراقبت از محیط زیست، پاسخگویی و شفافیت در یک موقعیت مرکزی در اقتصاد و حسابداری را تشکیل می‌دهد، لزوم تسهیل در توزیع مجدد ثروت از طریق زکات و ممنوعیت بهره در اقتصاد اسلامی و ایجاد عدالت اجتماعی از اثرات دید تفکر انتقادی به نظام سرمایه‌داری در حسابداری اسلامی است که بر لزوم توجه به نیازهای مادی و اخلاقی تمام گروه‌های استفاده‌کننده از گزارشهای حسابداری به یک اندازه تأکید و خواسته‌های تمام گروه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. بحث گزارشگری مالی در صنعت نفت و گاز و تأثیر سیاسی و غیر اخلاقی، و متعاقب آن انتشار استاندارد شماره ۲۵ همواره یکی از موضوعهای بحث‌انگیز در حسابداری مطرح بوده و کانون اختلاف نیز کفایت یا عدم کفایت مدل‌های تمام‌شده تاریخی برای تهیه و ارائه اطلاعات برای

استفاده کنندگان، به جای استفاده اجباری از روش کوشش‌های موفق بود. علیرغم نظر سنجی‌های انجام شده از تمامی تحلیلگران مالی مرتبط با صنعت نفت و گاز و ترجیح اکثریت قاطع پاسخ دهندگان به استفاده از روش کوشش‌های موفق، و تاکید بر کشف ذخایر به جای شناسایی درآمد فروش به عنوان با اهمیت ترین رویداد در این صنعت و ناتوانی مدل بهای تمام شده در شناسایی این رویداد، تحت تاثیر عوامل سیاسی کمسیون اوراق بهادار و متعاقب آن هیات استاندارد امریکا الزام روش ترجیح داده شده را لغو کرد (شاهنک، ۱۳۹۰). بنابراین حسابداری امروزی با الهام از دید اسلامی می‌تواند در کمک به شکل‌گیری یک قالب حسابداری اجتماعی که در آن پاسخگویی خارجی به کسب و کار که شامل وفاداری و شفافیت گزارش مالی کسب و کار و اثرات اجتماعی آن‌ها نیز باشند را در بر بگیرد (تینکر، ۲۰۰۴).

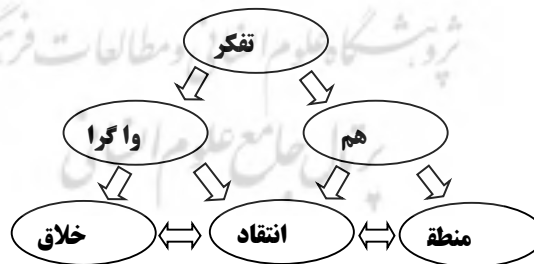
تبیین تئوریک مطالعات

اصطلاحاتی که معمولاً در نظام‌های آموزشی برای تعیین نوع تفکر به کار می‌روند، تفکر انتقادی و تفکر خلاق هستند. این دو نوع تفکر را نمی‌توان به عنوان فرایندهای شناختی قابل قیاس با تصمیم‌گیری و حل مسئله در نظر گرفت (مارزانو^۸ و دیگران، ۱۹۸۹). در سال ۱۹۶۳ رابرت انیس با نوشتن مقاله‌ای با عنوان تعریفی از تفکر انتقادی، نقطه عطفی در جنبش تفکر انتقادی به وجود آورد، «تفکر انتقادی، تفکری مستدل و منطقی است که بر تصمیم‌گیری‌ها در خصوص آنچه می‌خواهیم انجام دهیم یا باور داشته باشیم، تمرکز دارد (انیس ۱۹۸۷،^۹).

این تعریف انیس از تفکر انتقادی را به اعتباری پرکاربردترین تعریف تفکر انتقادی دانسته اند (فیشر، ۲۰۰۱). ماتولیمین در تعریفی از تفکر انتقادی چنین بیان می‌کند: «تفکر انتقادی، تفکری ماهرانه و مسئولانه است که قضاوت خوب را تسهیل می‌کند، زیرا الف^{۱۰} متکی بر معیارهایی است ب^{۱۱} خود اصلاح است، ج^{۱۲} به زمینه حساس است (لیمن^{۱۰} ۱۹۸۸) اما برای داشتن درکی بهتر از تفکر انتقادی به برخی از تعاریف دیگر تفکر انتقادی می‌پردازیم.

کشش و مهارت داشتن در انجام فعالیت‌هایی که با نوعی شک گرای منطقی آمیخته است (مک پک^{۱۱}، ۱۹۹۶). رشد پیوسته و منطقی الگوهای استدلال (استال و استال^{۱۲}؛ نقل از خلیل زاده و سلیمان نژاد، ۱۳۸۳)، تفکری منطقی در مورد مسائل پیچیده قابل بحث و اعمالی که مربوط به این مسائل است (سیفرت^{۱۳}، ۱۹۹۱).

تفسیر و ارزیابی فعال و ماهرانه مشاهدات، ارتباطات، اطلاعات و گفت و گوها (فیشر، ۲۰۰۱)، تعیین ارزش، محاسن، و مزایای صحیح یک چیز به کارگیرد (پل والدر^{۱۴}، ۲۰۰۶) از موضوعات تفکر انتقادی م باشد. دلیل تاکید این مقاله بر تفکر انتقادی و خلاق نقش تعیین کننده‌ای است که این نوع تفکر در شکل گیری توانایی‌های فکری، از جمله فلسفه ورزی و دقیق تر ساختن مسائل است، بطوریکه پل والدر (۲۰۰۵) در خصوص رابطه میان تفکر خلاق و تفکر انتقادی معتقد است که در فهم تفکر انتقادی، بسیار مهم است که به مناسبت مشترک میان تفکر خلاق و تفکر انتقادی توجه شود، خلاقیت، فرایند ساخت یا تولید را رهبری می کند و انتقاد، فرایند ارزیابی و قضاوت را مورد بررسی قرار می دهد. اشخاص معمولاً تفکر انتقادی را مبنای ارزیابی و تفکر خلاق را مبنای خلق و تولید در نظر می گیرند. البته این دو نوع تفکر در مقابل یکدیگر قرار نمی گیرند بلکه مکمل هستند، متفکران منتقد، راه‌هایی برای آزمون اظهارات در پیش می گیرند، و متفکران خلاق افکاری را که به تازه گی خلق شده اند، آزمایش می کنند تا درجه اعتبار و کارایی آن‌ها را بر آورد کنند، پس تفاوت در نوع نیست بلکه تفاوت اصلی بین تفکر خلاق و انتقادی در تاکید یا اصرار و پافشاری است. به عبارتی تفکر خلاق و انتقادی، فرایندهای مجزایی نیستند بلکه نحوه وقوع فرایندهای تفکر را به نوعی توصیف می کنند (مارزانو، ۱۹۸۹). به این ترتیب، به اعتباری می توان تفکر انتقادی را حاضر و ناظر در تمامی مراحل تفکر و به عنوان نقطه اتصال میان شیوه‌های دو گانه تفکر، یعنی همگرا و واگرا و نیز واسطه میان سه نوع نسبتاً متمایز تفکر، یعنی تفکر منطقی در یکسو و تفکر خلاق و استعاری در سوی دیگر ساختار ذهن بشر، فرض کرد، برای ترسیم رابطه میان این تفکرها می توان از مدل زیر استفاده کرد.



شکل ۱- روابط میان نتیجه‌گیری، حل مسئله، تصمیم‌گیری (منبع: پل والدر، ۲۰۰۵)

تفکر انتقادی در حسابداری را می توان در ظهور ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری مانند بی طرفی، عینیت و بیان صاد قانه که در چهار چوب مفهومی گزارشگری مالی اکثر کشورها وجود دارد بیان نمود. به طوریکه از دیدگاه محققین انتقادی این ویژگی ها نوعی مشروعیت بخشی به فعالیت واحدهای تجاری تهیه کننده اطلاعات است. از دید گاه تفکر انتقادی، حسابداران این مشروعیت را ایجاد می کنند به گونه ای که اطلاعاتی را که برای اندازه گیری و افشا مهم نیستند، خود تعیین می کنند و این بدان معنی است که حسابداری ابتدا مسئله ای را خود طرح و بعد آن را حل می کند نه اینکه مسئله طرح شده را حل کند (نیکو مرام و بنی مهد، ۱۳۸۸).

مبنای فکری مذهب در اقتصاد غربی در مقابل اقتصاد اسلامی

متفکران انتقادی مانند آدورنو و هورکهایمر^{۱۵}، از دین و ایمان با عبارت گول زدن استفاده کرده و معتقد بودند که مذهب اغلب در استخدام و استثمار نخبگان برای رسیدن به اهداف و حداکثر کردن ثروت آنان بوده است (دریدا^{۱۶} ۲۰۰۸). هرچند که تعدادی دیگر از اندیشمندان، با این حال استدلال کرده اند که برخی از ارزش های هسته ای مذهبی، جدا از بنیادگرایی و فساد، جنبه رهایی بخش را تشکیل می دهند که اگر به شکل مثبت به کار گرفته شود ممکن است کمک به عدالت اجتماعی نیز بکند (آنیستر^{۱۷}، ۲۰۰۴). آنیستر به عنوان مثال، معتقد است که هسته اساسی مسیحیت دارای اصل و نسب قابل توجهی نزدیک به مارکسیسم است و هر دو باید نیروی خود را برای مبارزه علیه سرمایه داری، سرکوب بی عدالتی صرف کنند. اسلام به طور خاص، به شکل گسترده ای در غرب به تقویت بنیادگرایی و سرکوب سرمایه داری متهم است (کامالا و همکاران، ۲۰۰۸).

به همین دلیل است که اغلب حوزه های سیاسی و فرهنگی غرب بر این اساس است که ایدئولوژی اسلامی به منزله تهدید برای مدرنیته و روشنگری در مقابل ارزیابی انتقادی معاصر و شیوه بانکداری اسلامی و حسابداری در برابر این ادعا از دید اجتماعی و اخلاقی با الهام از نظام اسلامی به مقابله با این دیدگاه می پردازد. اسلام وسواس خود را با مسائل فنی و ابزاری مربوط به ممنوعیت بهره، محاسبات زکات و چگونگی این تأثیرات ابزاری از طریق فعال کردن بیشتر پتانسیل رهایی بخش بانکداری اسلامی و حسابداری و اطلاع گسترده تر و بیشتر از آموزه های اسلام فراهم می کند. در رویکرد جامع اسلامی به زندگی، تأکید بر عدالت اجتماعی است و پیام مرکزی آن

اهمیت به دانش و رسیدن به رهایی، با الهام از جنبه تعالیم اسلام در دستور کار اجتماعی اسلام است (لوئیز،^{۱۸}، ۲۰۰۱).

سیستم اقتصاد اسلامی مبتنی بر این آموزه است که هیچ فردی نباید آنچه اساسا خلقت خداوند است یا محصول تلاش و مهارتهای انسان دیگری است را برای خودش بخواهد (حقیقی و پیمرازن، ۱۹۸۷، ۱۹).

بنابراین، این سیستم تا حد زیادی بر پایه عدالت اجتماعی شکل گرفته است. استاد مطهری در کتاب نظریه اقتصاد اسلامی در مورد اصول اولیه برای اقتصاد اسلامی، مسئله حقوق طبیعی و تکوینی که حق، ریشه غائی و فاعلی دارد را بر اصل عدالت و اصل استثمار برتر می‌داند. زیرا مطابق تفسیر سه گانه‌ای که برای عدالت می‌شود نظرات اجتماعی از قبیل نظریه مطلوبیت و نظریه فردی، همه باید از اصول اولیه حقوق طبیعی و غیر طبیعی سرچشمه بگیرد. اصول متعارف و موضوعی علم اقتصاد از این دیدگاه شامل مواردی از جمله: الف) اقتصاد باید به نحوی باشد که موجب ازدیاد ثروت عمومی بشود، راکد و ثابت نباشد، ب) عدالت و مساوات رعایت گردد، به معنی اینکه قیمت‌ها و اولویتهای بیجا در کار نباشد، ج) فرد فرد دیگر را استثمار نکند، د) احترام به آزادی افراد در انتخاب کار، و) آزادی افراد که خود یک اصل است و همچنین ازدیاد ثروت عمومی که خود اصل دیگری است باید محدود شود به سایر مصالح بشر، یعنی باید منحصر به اخلاق عموم و معنویات بشر باشد. در اینجا بحث ازدیاد سرمایه ملی یا شخصی به چه کیفیتی باید باشد و اینکه رشد به هر نحو درست است، یا محدودیتی دارد؟ مطرح میشود. معمولا اقتصاد دانان غربی تمایلات و خواسته‌های بشر را اعم از خواسته‌های مصنوعی و انحرافی را سرچشمه درآمد می‌دانند ولی اقتصاد اسلامی مساله تقاضا را به هر نحو باشد سرچشمه درآمد مشروع نمی‌داند و مطلب دیگر در این است که در تقاضاهای مشروع چه چیزی سبب ازدیاد می‌شود و چه چیزی مانع ازدیاد می‌شود که هم سرمایه داری و تملک بر منابع اولیه ثروت، و هم اشتراک کلی، مانع ازدیاد و افزایش ثروت است (مطهری، ۱۳۸۵) احمد شوقی در مقاله‌ای با عنوان نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی بحث موضوع علم اقتصاد اسلامی را پژوهش ویژه‌ای برای مطالعه پدیده‌های اقتصادی که مسلمانان در سطح فردی و اجتماعی با آن سر و کار دارند عنوان کرده و بیان می‌کند در این رویکرد فرض بر این است که به دنبال علمی می‌گردیم که رفتار اقتصادی را در چارچوب نظام اقتصادی اسلامی تفسیر کند، زیرا استدلال ما این است که علم اقتصاد معاصر به دلیل رشد و نما یافتن در سایه

اقتصاد سرمایه داری و مغایرت آن با رفتار اقتصادی مسلمانان، توانایی در ارائه چنین تفسیری به ویژه در امور مرتبط با خواستگاه و اهداف مسلم را ندارد. علاوه بر این رویکرد دیگر با استناد به آیات متعددی از قرآن، اشاره می‌کند که قرآن کریم هدایتش متوجه همه مردم است و مختص مسلمانان نمی‌شود. بنابراین سفارشهای موضوع علم اقتصاد اسلامی همه انسانها را مخاطب خود قرار می‌دهد (جلالی، ۱۳۸۲).

این تفاوت اساسی بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد غربی است. در اقتصادهای ماده گرایی غربی، هدف اصلی فرد این است که ثروت را حداکثر سازد و ته خط هر موسسه انتفاعی غربی حداکثر کردن سود و حداقل کردن زیان است (کریم، ۱۹۸۹، ۲۰). در حالی که در اقتصاد اسلامی برای دیگران نیز حقی در ثروت افراد است. امام علی می‌فرماید: خداوند سبحان گذران نیازمندان را در اموال توانگران واجب ساخته است. بنابراین بینوایی گرسنه نماند، مگر به خودداری توانگر و خدای از این کارشان باز خواست می‌کند (جعفری، ۱۳۸۷). برای بسیاری از مسلمانان، آموزه‌های اسلام و شریعت با ارائه کدی جامع و دقیق از قوانین و آموزه‌های اسلام که هر مسلمان آن را به عنوان وظیفه خود می‌داند و خود را ملزم به اطاعت در تمام جنبه‌های زندگی خود می‌داند، ممنوعیت بهره و محاسبات زکات (مالیات اسلامی) است. در حقیقت این موارد به عنوان اقدامات اسلامی در جنبه‌های اقتصادی، مالی و حسابداری در شریعت اسلام متمرکز شده است (جامبلینگ و کریم، ۱۹۹۳، ۲۱).

پتانسیل رهائی بخش اسلام برای کمک به برنامه‌های مکتب حسابداری

انتقادی

تحقیقات حسابداری انتقادی این بحث را که چگونه ساختارهای اجتماعی و اقتصادی سرمایه داری به دنبال الزام و ترجیح به قدرت‌یابی چند گروه اجتماعی و مانع‌رهایی و قدرت بخشیدن به توده‌های عادی جامعه هستند را بسیار پررنگ می‌کنند (تینکر، ۲۰۰۴) و در عین حال معتقد است که حسابداری دارای پتانسیل‌رهایی بخش بوده و می‌تواند در ریشه کن کردن فقر و پیشبرد عدالت اجتماعی در جامعه نقش مهمی ایفا نماید. در زمینه مذهب، حسابداری با بهره‌گیری باورهای دینی و مذهبی و ارزش‌های هدف به منظور بهبود رفاه اجتماعی و استفاده از این آموزه‌های با نفوذ و ارزشمند، استبداد و استثمار در نظام فعلی را به چالش کشد (گالوفر، ۲۰۰۴، ۲۲). بنابراین، تنش بین

دین و نظریه پردازی انتقادی از طریق آوردن بینش و انرژی برای پتانسیل‌های رهایی بخش از آموزه‌های دینی سرچشمه می‌گیرند (پولارد ۲۳، ۲۰۰۸).

در واقع آموزه‌های دینی اسلامی به طور کلی در برابر بی‌عدالتی‌های اجتماعی و ظلم و ستم ایستادگی می‌کند و به همکاری و پیوستن به برنامه‌های مکتبی حیاتی برای دفاع و حمایت از بشریت و جامعه در برابر حرص و آز شرکت‌های بزرگ و سیستم‌های دولتی طرفدار سرمایه داری به شیوه غربی حمایت می‌کند (هند ۲۴، ۲۰۰۷).

اهمیت دانش، رویکرد جامع به زندگی و عدالت اجتماعی در اسلام و

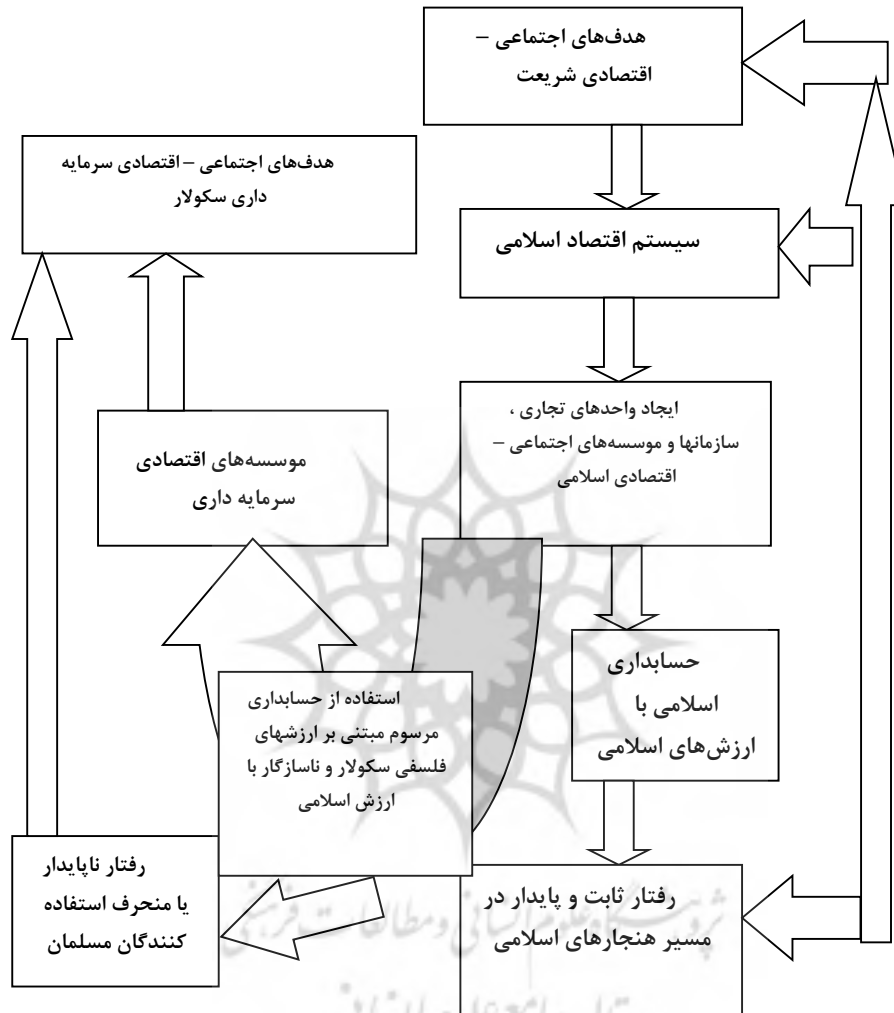
حسابداری

جلوه تفکر خلاق و دید انتقادی اسلامی با تأکید بر دانش برای حفظ کرامت انسانی، تأکید روشنگری و تشویق به استفاده و عمل با توجه به دانش و درک ایجاد شده به عنوان روشنگری که مخالف ادعاهای سرمایه داری غربی است، نمود پیدا می‌کند (تینکر، ۲۰۰۴). پیام مرکزی به دنبال دانش در اسلام می‌تواند انگیزه قابل توجه مسلمانان و غیر مسلمانان و حسابداران امروز برای افزایش جنبه‌های سرکوبگرانه و عواقب ناشی از سرمایه داری در جوامع مختلف را به ارمغان آورده و در دستور کار حسابداری انتقادی در پروژه حسابداری اسلامی در مورد عواقب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سرمایه داری قرار بگیرد (مالی ۲۵، ۲۰۰۶).

یکی دیگر از جنبه‌های تفکر انتقادی در اقتصاد و حسابداری اسلامی که ترویج آن از یک رویکرد جامع به زندگی برخوردار است، رویکردی است که در آن تمرکز خود را بر روی نیازهای هم مادی و هم معنوی تمام انسانها صرف می‌کند که از تأثیر قابل توجهی در اقتصاد برخوردار است. این در حالی است که حسابداری در اقتصاد غربی به واسطه نفوذ نظام سرمایه داری برای سنجش و نیازهای معنوی نیروی انسانی اهمیتی قائل نمی‌شود. این دیدگاه جامع اسلامی که شامل درک درستی از مفهوم خدا، جهان، زندگی و انسان است، بر ماهیت عدالت اجتماعی در اسلام تأکید و بر پایه کلام قرآن بر تمرکز ثروت هشدار می‌دهد که چنانچه تمرکز ثروت به وجود آید باعث عدم تعادل اجتماعی، گسترش فقر شده و اعضای جامع متعهد به تسهیل توزیع برابر و عادلانه ثروت از طریق زکات یا گرایش دیگر از ارزش‌های اسلام مانند مهربانی و شفقت بین مسلمانان در جامعه شده است (کامالا، ۲۰۰۸). حسابداری اسلامی برای پوشش نکات عنوان شده فوق از طریق یکی از اهداف خود که سود مندی در تصمیم‌گیری است اطلاعات سود مندی را توسط سازمان

حسابداری و حسابرسی موسسات اسلامی (AAOIFI)^{۲۶} پیشنهاد می‌دهد که اهداف حسابداری در گزارشگری مالی برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان را از طریق ارائه اطلاعاتی از جمله: ارائه اطلاعات مربوط به رعایت شریعت توسط بانک‌ها، اطلاعات مربوط به منابع اقتصادی و تعهدات و آثار رویدادها، اطلاعات لازم برای تعیین زکات، اطلاعات مربوط به جریانهای نقدی، اطلاعات لازم برای ارزیابی مسولیت‌های امانی بانک‌ها برای حفاظت منابع و سرمایه‌گذاری‌های آنان و اطلاعات مربوط به ایفای مسولیت اجتماعی توسط بانک‌ها، به دنبال ارائه اطلاعاتی جامع برای استفاده‌کنندگان از گزارشهای مالی است (بزرگ اصل، ۱۳۸۴). برای بحث در مورد نقش حسابداری و نهادهای نظارتی بین‌المللی که باید اطمینان حاصل شود که سازمان‌های کسب و کار در حال فعالیت در راستای منافع عمومی کمک می‌کند از دیدگاه محققین انتقادی حسابداری غربی زیر سوال می‌رود؛ زیرا اکثر پژوهشگران حوزه انتقادی غربی، حسابداری را ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به نظام سرمایه‌داری می‌دانند. اما دیدگاه انتقادی اسلامی حسابداری را محدود به این جنبه نمی‌کند، بلکه نظام حسابداری را دارای پتانسیل کاملی برای یک نظام جامع ارزیابی اقتصادی در جامعه می‌داند. نظامی که ابزاری برای جلوگیری از تجمع ثروت است که یکی از عناصر ناکارآمدی نظام اقتصادی سرمایه‌داری است. نظامی که برای بقا هر از گاهی نیاز به برپایی یک جنگ وسیع دارد (جنگ‌های بین‌الملل اول و دوم نمونه‌هایی از پیامدهای اقتصاد سرمایه‌داری است و جنگ‌های اخیر کشورهای خاورمیانه نمونه‌هایی از این دست هستند). انعکاس نقش حسابداری در اسلام بر خروج از چالش نقش حسابداری تحت سرمایه‌داری، متمرکز می‌باشد. از تمام جنبه‌های فوق‌ایدئولوژی اسلام که اولویت آن اختصاص به رویکرد جامع به دانش، جامعه و زندگی است با باز کردن امکان دستور کار گسترده‌تر اجتماعی که در آن عدالت اجتماعی، کارکردن با جوامع داخلی، از بین بردن فقر، مراقبت از محیط زیست، پاسخگویی و شفافیت در یک موقعیت مرکزی در اقتصاد، امور مالی و حسابداری را تشکیل می‌دهند و این اجازه را می‌دهد تا حسابداری با تأکید بر مسائل مذهبی و همچنین مالی، پاسخگویی جامعه و محیط زیست و همچنین ارائه‌دهندگان خدمات مالی و گزارش‌های قابل اندازه‌گیری و غیر قابل اندازه‌گیری باشد (اقبال، ۲۷، ۱۹۹۷). حسابداری اسلامی می‌تواند به عنوان یک فرایند حسابداری که اطلاعات مناسب (و نه ضرورتاً محدود به داده‌های مالی) را برای ذینفعان یک واحد تجاری فراهم می‌کند تا آنها بتوانند از اینکه واحد تجاری همواره در محدوده قلمرو شریعت اسلامی فعالیت کرده و به هدفهای اقتصادی _ اجتماعی خود دست می‌یابد، اطمینان یابد

همچنین حسابداری اسلامی ابزاری است جهت ساختن مسلمانان به ارزیابی میزان پاسخگویی‌های خود در برابر خداوند (با توجه به معاملات مابین انسان و محیط) (نونهال، ۱۳۸۸).



شکل ۲ - نتیجه‌نا سازگاری بین سیستم اقتصادی و سیستم حسابداری

(منبع: نونهال، ۱۳۸۸)

حسابداری ابزار دستیابی به هدفهای معین است و باید با هدفهایش مرتبط باشد. حسابداری اسلامی ممکن است برای حصول به هدفهای اجتماعی، اقتصادی و مذهبی موسسه‌های اسلامی و استفاده کنندگان مسلمان بسیار مناسبتر باشد. شکل ۲ وضعیت تطبیق یا عدم تطبیق سیستم حسابداری و سیستم اقتصادی را نشان می‌دهد.

بینش انتقادی به تحقیقات حسابداری اسلامی معاصر

تمرکز بر تحقیقات منتشر شده از سال ۱۹۹۰ تا به امروز در حوزه تحقیقات حسابداری اسلامی، با این هدف که به بررسی نقش و فعال کردن پتانسیل تحقیقات حسابداری اسلامی، در مجلات حسابداری انگلیسی زبان پرداخته شده است. در ارزیابی تحقیقات حسابداری به منظور ارزیابی اینکه تا چه حد تحقیقات حسابداری اسلامی درگیر در تحقیقات نظری انتقادی و پرسش از نقش سرمایه داری و نهادهای آن است مشخص شد، عده‌ای از مقالات به ابعاد اخلاقی در کسب و کار و حسابداری از قبیل عدالت، صداقت و بردباری معطوف است. تعدادی از مقالات استدلال می‌کنند که نیاز به فراگیر شدن معیار پاسخگویی اجتماعی و افشای کامل حسابداری تحت تعالیم اسلامی است (پومرانز، ۲۰۰۴). با این حال، معمولاً استفاده از ابعاد انتقادی نظری ایدئولوژی مسلط سرمایه داری و ماهیت و تأکید استانداردهای حسابداری غربی را زیر سوال می‌برد. ادبیات حسابداری اسلامی به عنوان مثال نسبت به نقش سرمایه داری و امپریالیسم غربی در ایجاد شرایط محرومیت و فقر مفرط در داخل و خارج از جهان اسلام مسکوت است. برخی از مقالات ادعا می‌کنند که هیچ تفاوت معنی داری با موانع باز دارنده مسلمانان از آغوش سرمایه داری غربی و در حال حاضر شیوه‌های حسابداری وجود ندارد (پومرانز، ۱۹۹۷). عده‌ای دیگر از مقالات معتقدند بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد معاصر رابطه مستحکمی وجود دارد و از نظر این گروه اقتصاد اسلامی باید به حکم برخوردار از انباشت معرفتی و توانایی در به کار گیری ابزار و شیوه‌های تحقیقی اقتصاد معاصر، از توانمندیهای اقتصاد معاصر به خوبی بهره بگیرد. با این وجود پاره‌ای از اصطلاحات مانند منفعت، رشد، عدالت در قیمت و دستمزد در کاربرد غربی شان با توجهات اسلامی ساز گاری ندارد (جلالی، ۱۳۸۲).

نتیجه گیری

داشتن تفکر خلاق و انتقادی در حسابداری اسلامی که بتواند به تناسب نیازهای مسلمانان یک الگوی مناسب برای حسابداری را فراهم کند با توجه به وجود مبانی فکری مذهبی متفاوت در

اقتصاد غربی در مقایسه با اقتصاد اسلامی و پتانسیل رهایی بخش اسلام برای کمک به توسعه و کمک به بر نامه‌های مکتب حسابداری انتقادی امری انکارناپذیر است. به طوریکه متفکرین انتقادی حسابداری غربی مانند مارکس هورکهایمر که از منتقدان مطرح در غرب و پایه گذار مکتب انتقادی در حسابداری است از دین و مذهب به عنوان گول زدن و صرفاً ابزاری برای حداکثر کردن ثروت توسط نخبگان جامعه یاد می کند؛ در حالیکه نقش مذهب و دین در اقتصاد و حسابداری اسلامی نه تنها غیر قابل انکار، بلکه بر پایه مذهب اسلامی شکل گرفته است. علاوه بر این اهمیت دانش و رویکرد جامع به زندگی و عدالت اجتماعی در اسلام و حسابداری اسلامی از نکات دیگری است که حسابداری غربی توجه چندانی به آن ندارد. عدم توجه به ملاحظات اخلاقی در اقتصاد غربی و جدایی حسابداری از این ملاحظات و تلقی حسابداری بعنوان ابزاری در جهت منافع قدرتمندان و توجه به حسابداری امروزی با الهام از دید اسلامی در کمک به یک قالب حسابداری اجتماعی پاسخگو و وفاداری و شفافیت در ارائه گزارش مالی از جمله تناقضات مربوط به دیدگاه انتقادی در حسابداری اسلامی در برابر تکنیک‌های حسابداری غربی است. این تفاوت‌های اساسی نیاز به توسعه استانداردهای حسابداری به طور خاص و همگون با نیازهای جامعه اسلامی را مطرح می سازد. در ارزیابی مبنای فکری متفاوت در اقتصاد غربی و اقتصاد اسلامی، اصول متعارف و موضوعی اقتصاد اسلامی را کد و ثابت ماندن ثروت را مجاز ندانسته و از طریق اعمال زکات و به چرخش در آوردن ثروت در جامعه برای استفاده همه افراد تاکید می کند، رعایت عدالت و مساوات در قیمت‌ها و کار، عدم استثمار، آزادی افراد در انتخاب کار و تاکید اقتصاددانان غربی بر تمایلات و خواسته‌های بشر در کسب درآمد بر خلاف دیدگاه اسلامی که مساله تقاضا را به هر نحو که باشد سر چشمه درآمد مشروع نمی داند. حسابداری اسلامی برای ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت از طریق الزام گزارشگری مالی مانند ارائه اطلاعات مربوط به رعایت شریعت توسط بانک‌ها، اطلاعات مربوط به منابع اقتصادی و تعهدات و اثار رویدادها، اطلاعات لازم برای تعیین زکات، اطلاعات مربوط به جریان‌های نقدی، اطلاعات لازم برای ارزیابی مسولیت‌های امانی بانک‌ها برای حفاظت از منابع و سرمایه گذارهای آنان و اطلاعات مربوط به ایفای مسولیت اجتماعی توسط بانک‌ها به دنبال ارائه اطلاعاتی جامع برای استفاده کنندگان بوده و به اثار رویدادهای مالی در جامعه توجه بیشتری می نماید. نظام حسابداری دارای پتانسیل برای جلو گیری از تجمع ثروت بوده و بر خروج از نقش حسابداری تحت سرمایه داری متمرکز می باشد، به لحاظ ساز گاری بین سیستم اقتصادی و سیستم حسابداری، حسابداری اسلامی برای حصول

هدفهای اجتماعی، اقتصادی و مذهبی موسسه‌های اسلامی و استفاده کنندگان آنها مناسبتر بوده و نیازهای استفاده کنندگان مسلمان را به شکل بهتری پاسخ می‌دهد.

پی نوشت

- ¹ Immoral accounting
- ² Tinker
- ³ liberal capitalism
- ⁴ Financial accounting standards board
- ⁵ Kamala
- ⁶ John Dioli
- ⁷ Fisher
- ⁸ Marzano
- ⁹ Ennis
- ^{۱۰} Lipman
- ^{۱۱} Mcpech
- ^{۱۲} Estal & Estal
- ^{۱۳} Seifert
- ^{۱۴} Paul Richard Valder
- ^{۱۵} Adorno and Horkheimer
- ^{۱۶} Derrida
- ^{۱۷} Annister
- ^{۱۸} Lewis
- ^{۱۹} Hagigi, A. Pomernaz
- ^{۲۰} Karim
- ^{۲۱} Gambling T, karim
- ^{۲۲} Gallhofer
- ^{۲۳} Pollard
- ^{۲۴} Hind
- ^{۲۵} Maali
- ^{۲۶} Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial
- ^{۲۷} Iqbal
- ^{۲۸} Pomeranz



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال ملی علوم انسانی

منابع

۱. بزرگ اصل، موسی. (۱۳۸۴)، اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی، حسابرس شماره ۳۱: صص ۷۸-۸۵.
۲. جلالی، خداداد، (۱۳۸۲). نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی، نشریه اقتصاد اسلامی شماره ۱۲، صص ۱۳۱-۱۴۶.
۳. جعفری، محمد مهدی، سید رضی. (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، موسسه نشر و تحقیقات ذکر: ۱۲، صص ۳۹۳.
۴. حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، سمت: هفدهم: صص ۱۹۶.
۵. خلیل زاه، نور الله، سلیمان نژاد، اکبر. (۱۳۸۳)، تفکر انتقادی، مهر امیر المومنین: اول، صص ۱۱.
۶. شباهنگ، رضا، (۱۳۹۰). تنوری حسابداری ۲، سازمان حسابرسی: ششم: صص ۱۳۹.
۷. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۰). روانشناسی عمومی، توس: اول: صص ۱-۱۵.
۸. کلباسی، حسین، (۱۳۸۵). فلسفه، گشایشی در ساحت تفکر، قابل دستیابی در:
۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵). نظریه اقتصاد اسلامی، انتشارات صدرا: سیزدهم: صص ۲۰۴-۲۰۷.
۱۰. نیکو مرام، بنی مهد، (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر تئوریهای توصیفی، علوم تحقیقات: اول: صص ۱۶۸ و ۱۶۹.
۱۱. نو نهال نهر، علی اکبر، (۱۳۸۸). مبانی اولیه حسابداری اسلامی، حسابدار شماره ۲۱۱: صص ۷۰-۷۷.
12. Annister m, neu D. (2004) , Accounting and Empire: an introduction to Critical perspectives on accounting: 15:1-4.
13. Derrida J. (2008) , the gift of death and literature in secret 2nded. critical perspectives on accounting :19:2-11.
14. Ennis,R. (1987) "ATAXONOMY OF CRITICAL THINKING DISPOSITIONS AND ABILITIES " IN: Teaching thinking kills: theory and practice , edited by J.B Baron & R.J. Sternberg New York Freeman , 9-26.
15. Fisher,Alec. (2001) , critical thinking: journal of Business &accounting18 (1) :23-45.

16. Gallahors, HalamJ. (2004) Accounting and liberation theology: some insights for the project of emancipator accounting. Accounting , Auditing and Account ability journal;17 (3) :382-407
17. Hind D (2007) . The threat to reason: how the enlightenment was hijached and how we can reclaim it. Accounting Forum:31: 25-43.
18. Hagigi,A. Pomernaz,F (1987) .ACCONTING NEEDS OF Islamic banking, Advances in international Accounting.1 , 153-168
19. Iqbal Z. (1977) , Islamic financial system .Finance and Development :42-5.
20. Kamala R ,Gallhofer S, Haslam J. (2008) , Islam, nature and accounting: Islamic principles and the notion of accounting for the environment. Accounting forum;30 (3) :245-65.
21. Karim RA. (1989) , the independence of religious and external auditors: the case of Islamic banks. Accounting, Auditing and Accountability journal; 3 (3) :34-44.
22. Lewis mk. (2001) , Islam and accounting. Accounting Forum (2) :103-27.
23. Lipman, Matthew, (1988) . Critical thinking: what can it be?", educational Leadership. 46. 1.38-43.
24. Maali B,casson P , Napier C. (2006) , social reporting by Islamic banks. ABACUS:42 (2) :266-89.
25. Marzano,Robert J; And others. (1989) . Dimensions of thinking A framework for curriculum and instruction Washington: office of educational research and improvement. ABACUS 29 (2) :131-48.
26. Mcpech , Johne &Brucce,Aune. (1996) . critical thinking and education: New York: Mac Milan Reference USA. Vol 7,100-10 4.
27. Pollard,J Samers M. (2008) , Islamic banking and finance :postcolonial political economy and the decentring of economic geography. Transaction of the institute of British geographers ,NS;32:313-30.
28. Pomeranz, F. (2004) , Ethics: ward globalization managerial Auditing journal 2004;19 (1) :8-14
29. Pomeranz F. (1977) , the Accounting and organization for Islamic financial institution: an important regulatory de but. Journal of international Accounting, Auditing taxation 1977; 6 (1) 123-30.
30. Pual.Richard and Elder Lina (2006) . Critical thinking; Learning the tools the

- best thinkers use. Accounting Historians journal: 26 (1) ;58-82.
31. Paul, Richard and elder, Linda. (2005) . A Guide for educators to critical thinking. accounting Forum ;28 (3) ;125-62.
 32. Seifert, kelvin L. (1991) . Educational Psychology. Educational Leadership, 42, 1.18-25.
 33. T, karim RA. (1993) , credible organizations: self-regulation financial accounting ability and management:9 (3) :195-207.
 34. Tinker T. (2004) , the enlightenment and its discontents: antinomies of Christianity Islam the calenture science. Accounting, Auditing and ac
 35. <http://www.bashgah.net/pages> 19-83

